نقش اسراف در نظام اقتصادی خانواده

افسانه حیدری

طاهره پیران

چکیده

ضایع کردن نعمت های الهی و نابود ساختن مواهب طبیعی و هدر دادن درآمدهای عمومی و صرف آن در راه باطل حرام است. وجود امکانات زندگی برای خانواده و وجود نعمت های الهی همه به منظور رشد و تعالی در اختیار آنان قرار داده شده است. بنابراین بهره برداری از این نعمت ها و امکانات باید با اوامر وحدود الهی همسویی داشته باشد و موجب سعادت انسان و در پی آن خانواده ها گردد و حال آن که اسراف در نظام اقتصادی خانواده بر هم زننده ی اعتدال و میانه روی و به وجود آورندۀ فساد و تباهی در جهت خلاف حرکت تکاملی در زندگی فرد است

کلید واژه : اسراف، مسرف، خانواده، تبذیر، اعتدال، اقتصاد

مقدمه

 انسان در زندگی این دنیا همواره هدف و غایتی را جستجو می کند و تمام تلاش ها و کوششی او طبق این هدف تنظیم خواهد شد. اگر انسان به زندگی در جهان دیگر معتقد نباشد و خدا را شبیه همچون ساعت سازی بداند که او را خلق کرده و رها ساخته است تا او خود تلاش و کوشش و به کمک عقل خویش بتواند خود را به بهشت تبدیل کند هدف او در زندگی دنیایی رسیدن به بیشترین امکانات و بالاترین سطح رفاه خواهد بود

امّا اگر نگاه و درک انسان از خود مخلوقی بود که احاطه به آینده و جهان آفرینش ندارد و از طرفی خالقی را می یابد که او را بیهوده نیافریده و اعتقاد داشته باشد که بعد از این دنیا عالم دیگری وجود خواهد داشت، دنبال هدف و روش زندگی پیشنهادی از سوی خالقی میگردد که بر همه چیز محیط است و خیر بشر را می داند اکنون چنین انسانی که به خدا و روز جزا ایمان دارد استفاده از امکانات مادی و طبیعی در زندگی او متوجه ایمان و هدف ایمانی اوست و مشی او در زندگی اعتدال است پس در نعمت های الهی اسراف نمی کند

مفاهیم:

 تعریف لغوی اسراف : واژه اسراف در لغت به معنای از حد درگذشتن، احد تجاوز کردن، زیاده روی، چیزی را بیش از حد به کار بردن، بیهوده خرج کردن، ولخرجی کردن و خرج کردن از حد اعتدال در کاری آمده است(1)

تعریف لغوی تبذیر : تبذیر در لغت به معنای پراکندگ کردن، متفرق ساختن، پاشیدن آوره است(2)

تعریف اصطلاحی اسراف و تبذیر : واژه ای اسراف تنها یک واژه ی اقتصادی نبوده و کاربرد آن منحصر به امور مالی نیست بلکه این واژه قبل از آن که نشانه ی جرم در اور اقتصادی می باشد، بیانگر وضعیت نامناسب و غیر معقول اخلاقی و فرهنگی شخص یا جامعه مسرف است. که حالت تجاوزگرانه و بی اعتنایی به قوانین و حدود شرعی و انسانی می باشد. براین اساس به کارگیری این واژه در قرآن کریم و روایات معصومین در مورد تجاوز از مرز شرع و خصلت های انسانی و گام نهادن به وادی گناه و معصیت بسیار، است. قرآن کریم در آیۀ 147 آل عمران می فرماید : «و ما کان قولهم الاّ أن قالوا ربّنا إغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا أمرنا و ثبّت أقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین»

و تبذیر به معنی پخش کردنی است که موجب نابودی شود و یا حداقل، نتیجه و عاقبت آن معلوم نباشد. اگر چه تبذیر همانند اسراف شامل امور غیر مالی می شود امّا شامل مسائل: اعتقادی نمی شود و بلکه بیشتر در امور مالی به کار می رود. در تبذیر، نوعی ناآگاهی نسبت به آینده وجود دارد امّا اسراف کار از آثار و نتایج خود آگاهی نسبت به آینده وجود دارد امّا اسراف کار از آثار و نتایج خود آگاه است(3)

واژه مترادف اسراف : تبذیر

واژه متضاد اسراف : صرفه جویی

تعریف اصطلاحی خانواده: خانواده در اصلاح عبارت است از یک واحد اجتماعی کوچک که از ازدواج یک زن و مرد پدید آمده و فرزند حاصل از آنان، آن را تکمیل می کند. به عبارت دیگر خانواده شامل مجموعه ای از افراد می باشد که با هدف و منافع مشترک، زیر یک سقف گرد هم می آیند(4)

تعریف اصطلاحی مسرف :

 مسرف کسی است که به افراط و تفریط در امور زندگی می پردازد. امیرالمومنین(ع) در تبیین شخص مسرف به سه امر در زندگی هر انسان اشاره کرده و می فرماید: «للمسرف ثلات علامات یأکل مالیس له و یلبَسُ له و یشتری ما لیس له» ؛ (شخص مسرف سه نشانه دارد : می خورد ان چه حق او نیست و می خرد آن چه در شأن و حق او نیست)؛ یعنی می خورد و خریداری می کند و می پوشد آن چه که بالاتر از شأن اوست. بنابراین روایت، مسلمنان باید شأن زندگی عرضی در جامعه ی خود را رعایت کرده و از پوشیدن لباس و سوار شدن به ماشین هایی که موجب انگشت نما شدن می شود خوداری می کنند. به عبارت دیگر، شخص اسراف کار به کارهای باطل، یعنی اعمالی که نه برای دنیای او فایده ای دارد و نه برای آخرتش، تنها رغبت دارد، بلکه افتخار می کند. در خوردن به لذّت خود توجه می نماید نه به سلامتی اش و از همه کس انتظار منفعت دارد. بنابراین نباید از او انتظار خیری برود(4).

طبیعت اسراف و انواع آن:

میانه روی و اسراف از امور واقعی است و آثار محسوس و عینی در خانواده ها دارد و آن دو یعنی میانه روی و اسراف در طبیعت متضاد با یکدیگر دارند و این ددو امر در همۀ بعد های کمّی و کیفی زندگی طبیعی و در سطوح مختلف تلاش های مادی در جریانند و تنها به خرج کردن و مصرف کردن و کیفیت و کمیّت آن دو اختصاص ندارد بلکه به طور ضروری اصل مال و مالکیت بیش از آن که به مرحله ی مصرف برسد نیز شامل می شود پس اسراف در این موارد واقع می شود: اسراف در کمیّت و اسراف در کیفیت

گاه اسراف در کمیّت مصرف است یعنی بیش از مقدار مورد نیاز مصرف کردن به عنوان نمونه بازگذاشتن شیر آب هنگام مسواک زدن یا استحمام کردن. گاه نیز در کیفیت مصرف تحقق پیدا می کند بدین معنا که مصرف از نظر کمّی بیش از حد نیاز نیست ولی از نظر کیفی بیش از حد نیاز است به عنوان نمونه پوشیدن لباس میهمانی- که برای حفظ آبروست- در منزل(7)

مصادیق اسراف در خانواده :

خریدن یک دست لباس گران قیمت از سوی پدر خانواده که درآمد او متوسط است مصداق اسراف است. خرید یک دستگاه کامپیوتر پیشرفته برای فرزند که پدرش کارگری است که هر صبح بایستی سر چهار راه چشم به راه کسب باشد، مصداق بارز اسراف و تبذیر است. هر گاه نیاز یک خانواده با خرید یک دستگاه پیکان برآورده می شود به آب و آتش زدن و جور کردن وام های بانکی با اقساط بالا و خرید یک دستگاه پژه و یا سمند و ... اسراف قلمداد می شود. خرید مبلمان برای به رخ کشیدن و چشم و هم چشمی اسراف خواهد بود. اختصاص مبالغ هنگفت برای خرید لوازم چوب منزل از سوی عروس(به عنوان جهزیه) و یا از سوی داماد(در قالب شیر بها)، در حالی که داماد بی کار است و این مبالغ می تواند سرمایۀ اولیّه یک تولیدی کوچک را برایش فراهم آورد، بدون تردید اسراف است. خرید تلویزیون lcd برای کارگری که حداقل درآمد ماهانه برخوردار است و معمولاً کیفی از حقوق خود را صرف باز پرداخت وام ها می نماید، اسراف و تبذیر است.

گستره ی اسراف:

با عنایت به آن چه در تبیین مفهوم اسراف اشاره شد مصادیق این واژه در زندگی فردی و اجتماعی انسان بسیار گسترده است. چنانچه که در حدیثی از پیامبر(صلی الله علیه واله) آمده است: فی کلّ شیء اسراف (در هر چیزی اسراف وجود دارد) مفهوم اسراف در هر کاری می تواند تحقق پیدا کند و هر کاری که از مرز اعتدال خارج شود، اسراف شمرده می شود، حتّی در وضو گرفتن. اگر کسی بیش از حد نیاز، آب مصرف کند، اسرافکار است. بنابراین اسراف تنها در خوردن و آشامیدن نیست بلکه حتّی در درو ریختن هسته ی خرما یا هسته ی دیگر میوه هایی که برای کاشت قابل استفاده اند، اسراف محسوب می شود. ولی در عصر ما گستره ی اسراف، بسیار گسترده تر از گذشته است: اسراف در بهره گیری از هوا و محیط زیست، اسراف در استفاده از بنزین، نفت، گاز و دیگر منابع حیاتی نیز مصداق دارد.(10)

قناعت در خانواده :

افراد يك خانواده بايد موازنۀ معقول بين دخل و خرج ايجاد كنند و با پذيرش واقعيت ها، مانع مسئله ساز شدن توقعات فردي شودند. اگر براساس توسعه طلبي هاي برخي همسران يا مهار نكردن مخارج غير ضروري، اين موازنه بر هم بخورد، اصلاً در امر درآمد و مخارج، حسابگري و انطباق و همسويي در كار نباشد، نابهنجاري هاي رفتاري در خانواده پيش مي آيد. زنان خانه دار، مديريت امور خانه را اگر به محور قناعت و پرهيز از خرج هاي غير لازم و تشريفاتي و تجملاتی تنظيم نكند و از شوهران خود، توقعات غير منصفانه و بي جا و خارج از توان مالي و ميزان درآمد او داشته باشند، يا هزينه هاي غير ضروري بر‌انان تحميل كنند، بايد منتظر بروز تنش باشند، چون يا همسرشان به خواسته هاي افزون طلبانه آنان وقعي نمي گذارند كه نتيجه اش بروز حرف ها و مجادلات است، يا از راهي(حلال و حرام و رشوه و سوء استفاده و غيره) سعي در تأمين خواسته هاي زن مي کند، كه نتيجه اش آلوده ساختن زندگي به حرام است(11)

به تعبير حضرت علي عليه السلام« اتضعه مال لاينفر(12) (قناعت ثروتي پايان ناپذير است)

تجمل گرايي و اشرافگرايي:

امّا تجمّل، مصرف غير منطقي است. تلاشي است براي دارا شدن آن چه در تبليغات يا زندگي اطرافيان، ديده مي شود، بدون تفّكر به لزوم وجود آن شي در زندگي. مصرف گرايي يا تجمّل كه امروزه به ناحق به يك هنجار تبديل شده و توجيحاتي از قبيل شيك بودن، امروزي رفتار كردن، زيبايي و حتي راحتي را براي آن به كار مي برند، يكي از موانع اصلي خوشبختي به حق و واقعي فرد و جامعه محسوب مي شود. چنانچه مقام معظم رهبري اين آفت را در جامعه اسلامي تشخيص داده و آن را در تضاد با فرهنگ انتظار مي دانند «اما بسيارند منتظران مدعي كه به اين گونه احكام اجتماعي اسلام بي توجهند؛ چرا كه در نگاه فردي به دين نه همين كه فرد از راه حلال مالي كسب كرده باشد كفايت مي كند، در صورتي كه اسلام ناب» به تأثيرات اجتماعي هم توجه دارد، به مسلمانان اجازه نمي دهند هر گونه خواستند ثروتشان را مصرف كنند. براي ن نمونه قصر بسازند، خودرهاي تجملي سوار شوند و اگر چه اينكه از مال حلال باشد(13)

آثار ناشي از تجمّل گرايي:

 1- پذيرفتن ذّلت فرهنگ مصرفي و وابستگي به كشورهاي توليد كنندة كالا و خدمات. تجمّل گرايي شاهان قاجار در تاريخ معاصر ما، باعث سقوط كشور ايران شده به طوري كه به خاطر تجمّل و خوش گذراني هر روز امتیاز جديدي به اجانب دادند.

2- بالا رفتن سن ازدواج جوانان در اثر ترس از هزينه هاي زندگي در واقع با تغيير الگوي ازدواج، تجمّل گراي و مشكلات اقتصادي، سن ازدواج در كشور بسيار بالا رفته است.

3- تقويت روحيه ي نابرابري در اثر تجمّل گرايي و از بين رفتن عدالت در جوامع تجمل گرا

4- توليد زباله هاي فراوان و افزايش آلودگي محيط زيست كه به موجب آن بيماري هاي گوناگون شايع مي شود و هزينه هاي درمان بالا مي رود.

5- نهادينه شده روحيه ي غرور كه به تبع آن، احساسات لطيفي چون محبت به هم نوع و دستگيري از نيازمندان، جاي خود را به چشم و هم چشمي و حسادت مي دهد و اعتماد و اتحاد از جامعه رخت بر مي بندد.(14)

خاستگاه نفساني اسراف:

اصل حاكم آدمي و هویت وجودي او، در بعدهاي مادي و روحي اصل ميانه روي است. انسان بنابر طبيعت نخستين و سالم خود گرايشي به افراط و تفريط ندارد. اسراف خروج از حد و مرز الهی فطري و چارچوب انساني است پس شخص مسرف انساني معتديل نيست كه در مسير فطرت بشري حركت كند، بلكه فردي متجاوز است و به عبارتي اسراف با واقعيت وجودي انسان در تضاد است. اسراف، انسان اسراف کار را اندك اندك به شك و بدگماني گرفتار مي كند و شخص را به دروغ پنداشتن حق مي كشاند و خداوند چنين كسي رابه راه درست نمي برد. كه استحقاق آن را از خويش، با عمل خويش سلب كرده است. چون آثار اسراف به نفس آدمي تاثير مي گذارد و مستولي مي شود و او را از مسير معتدل گمراه مي سازد. بنابر آن چه گفته شد آراسته شدن كارهاي شت به توسط نفس نتيجه ي انحرافي است كه در فطرت و هويت آدمي به وجود آمده است. و از اين جا معلوم مي شود كه اسراف چكونه بدگماني را بوجود مي آورد و شخص مسرف چگونه گرفتار گردنكشي و خود بزرگ بيني مي شود(15)

اسراف در كارهاي خير:

برخي از روايات دلالت دارند كه در كارهاي نيك اسراف نكوهيد نيست مانند آن چه پيامبر(صلي الله عليه واله) نقل شده كه مي فرمايد: در اسراف خيري نيست و در كارهاي خير، اسراف نيست. امّا بي ترديد مقصود از اين روايات اين نيست كه انسان حق دارد همه ي اموال خود را به بهانه نيكي كردن به ديگران ببخشد و خود و خانواده خويش را به فقر و فلاكت بيندازد. قرآن كريم، انفاق انسان هاي شايسته را چنین توصيف ميکند و كساني كه هر گاه انفاق مي كنند، نه اسراف مي نمايند و نه سخت گيري. بلكه ميان اين دو حد اعتدال را رعايت مي كنند. بنابراين مقصود ارز رواياتي كه تاكيد دارند به اين كه در كارهاي نيك اسراف نيست دفع توهم نكوهيده بودن گشاده دستي در كارهاي خير است و تاكيد بر اين نكته كه نه تنها در كارهاي خير گشاده دستي نكوهيد نيست بلكه نيكوو پسنديده است(16)

موارد اسراف:

1- انفاق بيش از از حد: آيت الله مکارم شيرازي در تفسير آيه ي141سوره ي انعام مي فرمايد: اسراف به معناي تجاوز از حداعتدال است اين جمله مي تواند اشاره به عدم اسراف در خوردن يا عدم اسراف در بخشش بوده است. زيرا پاره اي از اشخاص به قدري دست ودل بازند كه هرچه دارند به اين وآن مي دهند وخودو فرزنداشان معطل مي مانند.

2- مثله كردن قاتل: ونيز در تفسير آيه ي33 اسراء مي فرمايد: احترام خون انسان ها وحرمت قتل نفس از مسائلي است كه همه ي شرايع آسماني و قوانين بشري در آن متفقند وآن را يكي از بزرگترين گناهان مي شمرند. اگر كسي اسلام را با ميل خود پذيرفت وجزء جامعه ي اسلامي شد وطبعا از اسرارمسلمين آگاه گرديد، سپس تصميم گرفت از اين آيين باز گردد وعملا اساس نظام راتضعیف كند و تزلزل در اركان جامعه ي اسلامي ايجاد كند مسلماً اين كار قابل تحمل نيست آري اولياي مقتول مادام كه در مرز اسلام گام بر مي دارند و از حد خود تجاوز نمي كنند، مورد نصرت الهي هستند. اين جمله اشاره به اعمالي كه در زمان جاهليت بوده و در امروز نيز گاهي صورت مي گيرد كه در برابركشته شدن يك نفر از يك از يك قبيله، قبيله ي خون هاي زيادي را ميریزد در عصر ما تيز گاهي جناياتي رخ مي دهد كه روي جانيان عصر جاهليت را سفيد مي كند. موارد ديگر اسراف 3- ادعاي دروغين نبوت 4- استبداد 5- ترديد در معارف اسلامي 6- تكذيب انبياء 7- تكذيب قرآن 8- زياده روي در آشاميدني ها 9- ياده روي در خوردني ها 10- زياده روي در زينت ها 11- زياده روي در قصاص 12- شرك 13- قتل مناديان توحيد 14- كفر 15- هم جنس بازي(17)

اسراف و تبذير در آموزهاي اعتقادي: در بسياري از تعاليم الهي فقط اسراف منع شده است مانند آية(بخوريد و بياشاميد و اسراف نكنيد) و بنابراي مقصود ازاين است كه در استفاده و بهری بردن از امكانات اسراف نكنيد. به هر حال، اين گونه آيات و روايات هر اسرافي را منع مي كند. امّا در پاره اي از روايات بعضي از بهره برداري ها به طور مشخص اسراف شمرده شده است. كه به طور كلي در سه گروه قابل دسته بندي هستند.

گروه اول: در اين رواياتدور ريختن باقيمادنده آب آشاميده شده يا دور انداختن هستة خرما را اسراف مي شمرد. بنابراين در اين گروه از تعاليم رهبران آسماني هر كاري كه سبب هدر رفتن و نابودي اموال و امكانات گردد اسراف شمرده مي شود.

گروه دوم: در اين روايات به نيازهاي انسان توجه شده است از امام صادق(ع) در مورد تنگ نظري و بخل سوال مي شود امام مي فرمايد: اينكه نان و نمك بخوري در حالي كه توانايي در غير آن داشته باشي سءال مي شود حد ميانه روي چيست؟ نان و گوشت و لبنيات كه در هر مرتبه يكي از اين ها باشد

گروه سوم: مجموعه اي از روايات است كه دامنه ي نيازها را گسترش مي دهد و واقعيت ديگري را در نظر مي گيرد و آن موقعيت اجتماعي افراد است. كه بر حسب شغل تحصيلات مراجعات افراد ديگر به آن ها و به طور كلّي با تغيیر موقعيت اجتماعي اشخاص، نيازهاي آنان نيز تغيير مي يابد(18)

عوامل اسراف در خانواده:

يكي از عوامل اصلي در اسراف وجود نيازهاي كاذب در ميان خانوادها از سر چشم و هم چشمي و حرص و طمع است. برخي نيز غفلت مصرف كننده در خريد كالا را عامل اسراف مي دانند يعني فقدان آگاهي در مورد اجناس. به عنوان نمونه عدم آگاهي فرد از جنس اشياء و خريداري با قيمت گزاف موجب مي شود شخص پس از آن كه مدت كوتاهي از مصرف آن كالا گذشت، پي به كارايي پايين آن اجناس مي برد. برخي ديگر به خصوص اقتصاددانان علت اسراف در كشور ما را نبود قيمت هاي واقعي در كالا ها، به خصوص حامل هاي انرژي عنوان مي كنند و اظهار مي داند كه يارانه هاي فروان سبب قدر شناسي نسبت به اين نعمت ها مي شود. نمونه اي از آن را مي توان زنان خانه داري بيان كرد كه به علّت پايين بودن قيمت مواد غذايي مانند: (نان و برنج و ...) موجب بي اعتنايي آنان در مصرف صحيح آن مي شود. و در پي اسراف صورت مي پذيرد. مسئولين حكومتي نيز عامل اسراف به صورت زير ساختي نگاه كرده و دليل اصلي آن را نبود مهندسي مناسب در توليد و توزيع مي دانند

پيامدهاي اسراف:

پيامدهاي دنيوي: 1- كم بركتي: اسراف عملي مخالف تقوا و سفارش خدا و اولياي الهي است و باعث مي شود بركت از زندگي انسان بربندد. امام صادق(ع) فرمودند: (ان مع الاسراف قله البركه 20) (همانا اسراف همراه با كاهش بركت است)

2- زوال نعمت: يكي از آثار شوم اسراف و تبذير تباهي و زوال نعمت است. امير المومنين(ع) مي فرمايند(القصد مثراه و السّرف مثواه(20)). (اعتدال و ميانه روي موجب فراواني مال و ثروت و اسراف باعث تباهي و نابودي آن است)

3- ورشكستگي(افلاس) : از ديگر آثار زيان بار افراط و ولخرجي ورشكستگي است خيلي از افراد به خاطر داشتن ثروت زياد دست به انواع ريخت و پاش های و ولخرجي ها مي زنند و چون داراي ثروت هستند ترسي ازآينده ندارند غافل از اينكه ولخرجي موجب مفلسي و بي نوايي است. اميرالمؤمنين(ع) مي فرمايد: «من افتخر بالتّبذير احتقر بالافلاس (22)»

(هر كس به ريخت و پاش افتخار كند، با تهيدستي كوچك مي شود).

4- فقر: بي شك يكي از عوامل مهم فقر و تنگدستي در جهان اسراف و تبذيراست امام علي(ع) مي فرمايند: «سبب الفقر الاسراف»(23)؛ اسراف سبب فقر است

5- نابودي امكانات: از جمله آثار ولخرجي نابودي امكانات است. اميرالمؤمنين(ع) فرمودند: «االسراف يفني الجزيل» (24) (اسراف زياد ران ابود مي سازد)

6 – بخل: يكي از صفات اخلاقي كه مورد توجه دين واولياي الهي است و ائمه معصومين آن را بخشي از سيره و روش خود قرار داده بودند، جودو بخشش است. در روايتي از پيامبر اكرم (ص)، و لخرجي است. در روايتي از پايمبر اكر(0ص) و لخرجي و افراط در مصرف يكي از آفت هاي اين فضيلت اخلاقي بيان شده است: «آفه الجود السّرف»(25) افراط آفت سخاوت است. يعني اسراف و تبذير فرد باعث مي شود كه نتواند جود و بخشش داشته باشد و به اين صفت اخلاقي عمل كند لذا دچار بخل مي شود.

7- بيماريهاي جسمي : آيت الله مكارم شيرازي از ذيل آيه ي (كلوا واشربوا و لاتسرفوا) مي نويسد امروزه پژوهش هاي دانشمندان به اين نتيجه ريده كه سرچشمه ي بسياري از بيماري ها غذاهاي اضافي است كه به صورت جذب نشده در بدن باقي مي ماند. اين مواد اضافي هم بار سنگيني براي قلب و ساير دستگاههاي بدن است و هم منبع آماده اي براي انواع عفونت ها و بيماريهاست. لذا براي درمان بسياري از بيماري ها راهي جز رعابت اعتدال در غذا نيست.

8- محروميت از هدايت: خداي متعال همواره درهاي رحمتش به روي بندگان گشوده و با ارسال پيامبران، همگان را براي رسيدن به كمال و قرب الهي فراخوانده است. امّا گاهي عواملي باعث مي شود كه انسان در اين مسير قرار بگيرد و از هدايت الهي محروم بمانده يكي از اين عوامل كه باعث محروميت انسان از هدايت مي شود، اسراف و تبذير است و در تنيجه در وادي ضلالت و گمراهي باقي مي مانند.

9- بي مروتي: جوانمردي و مروّت كه از خصال نيك انساني است و همگانف دارنده ي اين صفت را مي ستايند، با اسراف و نبذير قابل جمع نيست. حضرت علي(ع) مي فرمايند: (من المروهّ ان تقصد فلا نسرف و تعد فلا تخلف) «26» از جوانمردي است كه ميانه روي كني و زياده روي ننمايي و چون وعده دادي خلف وعده نكني

10- از بين رفتن شرافت: خصلت شرافت كه فرد را در اجتماع مورد تكريم و احترام قرار مي دهد، با افراط و ولخرجي از بين مي رود اگر فر دست به اسراف و تبذير بزند، به دست خودف اسباب شرافت خويش را از بين مي برد

11- سلب توفيق: يكي ديگر از آثار دنيوي اسراف بي رغبتي به انجام كارهاي خير است. به طور معمول انسان ها در انجام كارهايي كه فايده ي عمومي دارد، خود را شريك مي كنند تا از اجر و ثواب اخروي آن بهره مند شوند ولي آن هاي كه اهل ولخرجي و اسراف هستند دستشان از اين كارها كوتاه است

12- عدم استجابت دعا: خداوند متعال دستور به خواندن دعا و راز و نياز مي دهد تا خود درخواست ها را اجابت كند امّا گاه به خاطر اسبابي، اجابت دعا به تأخير افتاده يا دعا مستجاب نمي شود. يكي از عوامل استجابت دعا اسراف و تبذير است.

پيامدهاي اخروي

1-خشم الهي: اسراف كار از رحمت خداوند دور بودهف گرفتار خشم الهي مي شود همان طور كه در قرآن در آيه 141 سوره انعام آمده است«ولاتسرفوا انّه لايحب المسرفين». زياده روي نكنيد كه خدا اسراف كاران را دوست ندارد

2- كيفر اخروي: كساني كه از ذكر خدا روي گردانده آيات او را فراموش كنند، همچنين آن هايي كه نعمت هاي خداداي چون چشم و گوش و عقل را در مسير نادرست به كار گيرند و آن ها را بيهوده بر باد دهند، نه تنها گرفتار فقر و تنگدستي در دنيا مي شوند بلكه عذاب اخروي نيز در انتظار آنان خواهد بود.

3- خواري قيامت: خرج كردن مال در غير حقش تبذير و اسراف است و در آخرت موجب سرافكندگي وي مي گردد. در ميان مردم گرامي اش مي نمايد ولي نزد خداوند خوارش مي سازد.

4- هلاكت: اسراف از هر نوعي كه باشد، انسان را به نابودي مي كشاند، به ويژه افرادي كم با انكار آيات الهي و تكذيب پيامبران دربارة خويش و جامعه اي كه در آن زندگي مي كنند اسراف كنند. خداي منّان در آيه ي 9 سوره انبياء مي فرمايد:«ثمّ صدقنا الوعد فأنجينا هم و من نشاء و اهلكنا المسرفين» (پس وعده خود) به آنان را راست گردانديم و آنها و هر كه را كه خواستيم نجات داديم و افراط كاران را به هلاكت رسانديم

و ديگر آثار اسراف عبارتد از: 1- ترس 2-تزئين اعمال زشت 3- تكذيب انبياء 4- تهديد انبياء 5- حق ناپذيري 6- درماندگي و زياده روي در انفاق 7- سرزنش 8- سرنوشت شوم 9- فساد و محروميت 10- ممانعت از پيروي 11- ناسپاسي 12- يأس(27)

انتظار خانوادها از حاكميت اسلامي در راه مبارزه با اسراف:

1-جدا كردن فتواهاي علماي آگاه و منّزه از مداهنه، و رواج دادن گفته هاي ايشان در ميان مردم

2- تنظيم برنامه هايي تربيتي و علمي، در جهت شناساندن«اسراف» و موارد آن و مبارزه آموزنده با آن، در مراحل مختلف درسي، تانسل هاي نوجوان و جوان بر شالوده ي پرهيز از اسراف و مصرف گرايي و حذف آن از زندگي پرورش يابد.

3- مراقبت كامل و قاطع در همة مؤسسات ادراي و مراكز به صورتي كه در آن هيچكونه اسرافكاري در هزينه ها و افزارها و لوازم و مصالح، در مراسم اجرايي جشن ها و مهماني ها و مسافرت ها و نظاير آن ها صورت نگيرد، و در اداره ي كوچك و بزرگ امور مسلماني زياني به آنان نرسد.

4- نظارت قاطع و دقيق بر توليد، تا توليد كنندگان به هيچ وجه نتوانند از لحاظ كمي وكيفي توليد را، براي مقاصد سود جويانه ي خويش كه مضر بر حال اجتماع است مورد سوء استفاده دهند.

5- مراقبت قطعي به امور مربوط به واردات و صادرات(28)

وظايف افراد جامعه نسبت به مسرفان:

لازم است افراد نيز مسرفان را طرد كنند و هركس كه با مصرف كردن آن چه حق او نيست به ديگران زيان مي رساند از خود برانند چه يكي از مهمترين مصداق هاي فريضه ي بزرگ(نهي از منكر) نهي از اسراف است و ايستادگي سخت در برابر مسرفان و مصرف گران، كه اغلب در ميان ثروتمندان رفاه زده و اطرافيان و هوادران ايشان و همچنين كساني ديگر... بهم مي رسند كين مبارزه با اسراف در هر مورد كه باشد لازم است و شايد در ميان زنان و افراد خانواده بسيار باشند كه اين امر مهم توجه نداشته باشند و از اسراف و مصرف بيش از اندازه اجتناب نكنند، پس بر هر فرد از افراد خانواده واجب است كه خود را به پرهيز كردن از اسراف عادت دهند، و هر جا با آن روبرو شود به مبارزه با ان بپردازد و ريشه هاي آن را به هر صورت كه ممكن است بركند و بر ائمه جمعه و جماعات و خطيبان لازم است كه آثار بد و منفي مصرف تكاثري و اسرافي را بر همه مردم همواره بگويند و از آنان آگاهشان سازند و از بي توجهي به اثار ويرانگر فردي و اجتماعي و اخلاقي و ... سخت بيمشان دهند(29)

نتيجه گيري

 اسراف و زياده روي شخص مسرف در ميان اعضاي يك خانواده يا خانواده مسرف در يك جامعه، نه تنها موجب هلاكت خود آنان مي شود بلكه توده هاي مردم را به تباهي و بي بند و باري و كوردلي و سقوط مي كشاند و سرچشمه هايي مي شوند براي فسادهاي فردي و اجتماعي و اخلاقي و تربيتي و اقتصادي كه هيچ اميد و صلاح و اصلاحي از آنان نمي رود. بنابراين مي توان گفت ميانه روي و اعتدال در امور يكي از صفات پسنديده اي به شمار مي رود که آثار دنيوي و اخروي چشم گيري در پي خواهد داشت كه در نهايت موجب سعادت فرد و خانواده خواهد شد.

منابع

1- آيت الله مكارم شيرازي، ناصر، تفسير نمونه، جلد 6، چاپ سي و دوم، قم، انتشارات دارالكتاب اسلا می، 1386

2- ابن بابویه، محمدبن علی، (شیخ صدوق)، الخصال، ترجمه صادق حسن زاده، چاپ اول: 1388، قم، انتشارات فکر آوران، 1387،

3- پاینده، ابواقاسم، نهج الفصاحه، حكمه، جلد1، چاپ ششم، انتشارات جاویدان، 1383،

4- تیمی آمری، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، چاپ اول، 1339، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، 1384

5- حکیمی، محمد رضا، محمد و علی حکیمی، الحیاه، ترجمه احمد آرام، ج 4، چاپ هفتم، قم، انتشارات دلیل ما، تابستان 1385،

6- رضی، رحمه الله، نهج البلاغه، حمکت، ترجمه محمدعلی انصاری، چاپ اول، قم، موسسه انتشاراتی امام عصر، چاپ خانه مهر ،

7- شاه آبادی، محمد علی، مروری بر تجمل و اسراف، چاپ دوم: 1388، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان،1385،

8- شیخ ناصری، علی اکبر، بازگشت به خدا، چاپ اول: 1346، تهران، چاپ بنگاه مطبوعاتی، 1346،

9- علم الهدي، عبدالرسول، درآمدي بر اصلاح اگلوي مصرف در زندگي يك مسلمان، چاپ اول: 1388، تهران، انتشارات مؤسسه خبرگزاري فارس، 1388،

10- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ بیست و ششم: 1382، تهران، چاپ خانه سپهر، 1381،

11- کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، با ترجمه محمدباقری کمره ای، ج 4، چاپ نهم، تهران، انتشارات اسوه، 1389،

12- محمّدي ري شهري، محمّد، الگوي مصرف از نگاه قرآن، حديث، چاپ دوم: 1388، قم، پژوهشگاه علوم و معارف حديث، 1325

13- مشيری، مهشيد، فرهنگ زبان فارسي الفبايي- قياسي، چاپ پنجم 1388، تهران، انتشارات صدا و سيماي جمهوري، 1361

پی نوشت

1- مهشید، مشیری، فرهنگ فارسی الفایی- قیاسی، چاپ پنجم: 1388، تهران، اانتشارات صداو سیما جمهوری، 1361، ص 69

2- حسن، عمید، فرهنگ فارسی عمید، چاپ بیست و ششم: 1382، تهران، چاپ خانه سپهر، 1381، ص 142

3- عبدالرسول، علم الهدی، درآمدی بر اصلاح الگوی مصرف در زندگی یک مسلمان، چاپ اول: 1388، تهران، انتشارات موسسه خبرگزاری فارس، 1388، ص 92

4- محمد علی، شاه آبادی، مروری بر تجمل و اسراف، چاپ دوم: 1388، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان،1385،ص 23

5- ابن بابویه، محمد بن علی، (شیخ صدوق)، الخصال، ترجمه صادق حسن زاده، چاپ اول: 1388، قم، انتشارات فکر آوران، 1387، ص 98

6- عبدالرسول، علم الهدی، درآمدی بر اصلاح الگوی مصرف در زندگی یک مسلمان، چاپ اول: 1388، تهران، انتشارات موسسه خبرگزاری فارس، 1388، ص94

7- محمد رضا، حکیمی، محمد و علی حکیمی، الحیاه، ترجمه احمد آرام، ج 4، چاپ هفتم، قم، انتشارات دلیل ما، تابستان 1385، ص 124

8- محمد، محمدی ری شهری، الگوی مصرف از نگاه قرآن، حدیث، چاپ دوم: 1388، قم، پژوهشگاه علوم و معارف حدیث، 1325، ص73

9- ابوالقاسم، پاینده، نهج الفصاحه، ج 1، چاپ ششم، انتشارات جاویدان، 1383، ص 155

10- محمد، محمدی ری شهری، الگوی مصرف از نگاه قرآن، حدیث، چاپ دوم: 1388، قم، پژوهشگاه علوم و معارف حدیث، 1325، ص87

11- عبدالرسول، علم الهدی، درآمدی بر اصلاح الگوی مصرف در زندگی یک مسلمان، چاپ اول: 1388، تهران، انتشارات موسسه خبرگزاری فارس، 1388، ص67

12- رضی، رحمه الله، نهج البلاغه، حمکت، ترجمه محمدعلی انصاری، چاپ اول، قم، موسسه انتشاراتی امام عصر، چاپ خانه مهر ، ص54

13- عبدالرسول، علم الهدی، درآمدی بر اصلاح الگوی مصرف در زندگی یک مسلمان، چاپ اول: 1388، تهران، انتشارات موسسه خبرگزاری فارس، 1388، ص80

14- همان، ص 91

15- علی اکبر، شیخ ناصری، بازگشت به خدا، چاپ اول: 1346، تهران، چاپ بنگاه مطبوعاتی، 1346، ص 35

16- محمد علی، شاه آبادی، مروری بر تجمل و اسراف، چاپ دوم: 1388، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان،1385،ص 42

17- همان، ص234

18- همان، ص 33

19- عبدالرسول، علم الهدی، درآمدی بر اصلاح الگوی مصرف در زندگی یک مسلمان، چاپ اول: 1388، تهران، انتشارات موسسه خبرگزاری فارس، 1388، ص 97

20- محمدبن یعقوب، کلینی، اصول کافی، با ترجمه محمدباقری کمره ای، ج 4، چاپ نهم، تهران، انتشارات اسوه، 1389،ص 55

21- محمد رضا، حکیمی، محمد و علی حکیمی، الحیاه، ترجمه احمد آرام، ج 4، چاپ هفتم، قم، انتشارات دلیل ما، تابستان 1385، ص 314

22- عبدالواحد بن محمد، تیمی آمری، غررالحکم و دررالکلم، چاپ اول، 1339، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، 1384، ص 360

23- محمد رضا، حکیمی، محمد و علی حکیمی، الحیاه، ترجمه احمد آرام، ج 4، چاپ هفتم، قم، انتشارات دلیل ما، تابستان 1385، ص 440

24- عبدالواحد بن محمد، تیمی آمری، غررالحکم و دررالکلم، چاپ اول، 1339، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، 1384، ص359

25- ابوالقاسم، پاینده، نهج الفصاحه، ج 1، چاپ ششم، انتشارات جاویدان، 1383، ص155

26- عبدالواحد بن محمد، تیمی آمری، غررالحکم و دررالکلم، چاپ اول، 1339، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، 1384، ص359

27- عبدالرسول، علم الهدی، درآمدی بر اصلاح الگوی مصرف در زندگی یک مسلمان، چاپ اول: 1388، تهران، انتشارات موسسه خبرگزاری فارس، 1388، ص 103

28- محمد رضا، حکیمی، محمد و علی حکیمی، الحیاه، ترجمه احمد آرام، ج 4، چاپ هفتم، قم، انتشارات دلیل ما، تابستان 1385، ص 121

29- همان، ص 123